

## بررسی اسناد روایات عقل و جهل از کتاب اصول کافی

□ سید میرزاحسین مهدوی \*

### مقدمه

یکی از منابع و پایه‌های معرفتی غنی و پر بار شیعه، روایات و احادیثی است که از ناحیه معصومین علیهم السلام - پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام - نقل شده و علماء بزرگ اسلام در منابع روایی برای نسل آینده به جا گذاشته‌اند. از جمله منابع مهم و ذی‌قیمت که حاوی بیش از ۱۶ هزار روایت از ذوات مقدس معصومین علیهم السلام جمع‌آوری نموده است کتاب شریف کافی می‌باشد، اثر محدث شهیر جهان شیعه، مرحوم شیخ ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی رحمة الله علیه. حول کتاب شریف کافی سخن زیاد گفته شده و احادیث منقوله در این کتاب شریف، در طول هزار سال مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته است، شروع متعدد بر آن نوشته شده است، مثل مرآة العقول نوشته مرحوم علامه محمد باقر مجلسی (ره)، شرح مولی صالح مازندرانی (ره)، شرح ملاء صدرا و... ولی در عین حال، اگر انصاف به خرج دهیم باید گفت؛ ما شیعیان (ما حوزیان) در مورد کافی، بلکه کتب اربعه کم کاری می‌کنیم و حق زحمات علماء چون کلینی را اداء نمی‌کنیم. چه اینکه عمل به روایات در گرو اعتبار سندی آن‌ها است، یعنی ابتدا باید روایت از حیث

---

\* سطح چهار فقه و اصول جامعه المصطفی العالمية

سند معتبر باشد تا بتوان با آن حکم ثابت کرد و تا روایتی از این جهت مورد تأیید قرار نگیرد اساساً حجیت ندارد، به همین جهت علم رجال به وجود آمده تا عهده‌دار بررسی و ارزش‌گذاری راویان حدیث باشد و از این طریق صحت و سقم روایات روشن شود، لذا در صورتیکه روایت از حیث سند معتبر نباشد، نمی‌تواند موجب ثبوت حکم یا آموزه از آموزه‌های اسلامی باشد، صحت و اعتبار روایت مقدمه استناد به روایت است، ابتدا باید بررسی رجالی انجام گرفته اعتبار روایت از این جهت تأیید شود سپس استناد و استنباط صورت پذیرد. به هر حال در نوشتار پیش رو خواستیم روایات بخش عقل و جهل کافی شریف را، هرچند به طور مختصر و اندک بررسی سندی به صورت گذارش داشته باشیم و قدم ناچیز در راستای فراهم نمودن زمینه اثبات اعتبار روایات این بخش از کتاب شریف کافی، برداریم.

### ثقة الاسلام کلینی (ره)

قبل از ورود به بررسی اسناد روایات، (از باب شکر منعم و سپاس‌گذاری)، اشاره مختصری راجع به شخصیت و حالات مرحوم شیخ کلینی (ره) داشته باشیم. شیخ کلینی<sup>(۱)</sup> در میان علماء شیعه مانند ماه که در نیمه ماه باشد درخشندگی دارد و در وسط آسمان از هر طرف قابل مشاهده است. فقط چشم بینا می‌خواهد و انصاف، هرچند شیخ کلینی بدلیل شهرت و آشنای عامه مردم با او، بی‌نیاز از تعریف و معرفی کردن است (ر.ک: محمد آصف محسنی، بحوث فی علم الرجال، ص ۲۷۰) در عین حال خوب است این نوشتار را هرچند به طور اختصار خالی از ذکر نام و یاد او نگذاریم تا نوشتار ما، متبرک به برکات او گردد. هرچند سخن در مورد کتاب جامع و بزرگترین میراث حدیثی، ارزنده‌ترین مجموعه روایی از اهل بیت عصمت علیهم السلام شخصیت چون کلینی، کاری است دشوار و فوق طاق حقیق

### اسم و لقب

ابو جعفر، محمد بن یعقوب بن إسحاق الکلینی الرازی و سلسلی بغدادی نیز گفته شده. از خانواده معروف دانشمند و متدین. او در زمان خودش بزرگ و شیخ شیعه بود در ری، سپس به بغداد سفر کرد و در آنجا سکونت داشت، او در ایام مقتدر عباسی زعیم فقهاء شیعه بود و زمان سفراء آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک کرده است.

## شیخ کلینی از نظر بزرگان و دانشمندان شیعه و عامه

نجاشی چنانچه سید جواد مصطفوی در مقدمه ترجمه کافی از او نقل می‌کند، گوید: «او در زمان خود شیخ و پیشوا بود درری و حدیث را از همه بیشتر ضبط کرده و بیشتر از همه مورد اعتماد است» (سید جواد مصطفوی، ترجمه اصول کافی، مقدمه مترجم، ج ۱ ص ۷) همچنین جناب مصطفوی از سید ابن طاوس ره در مورد شیخ کلینی نقل می‌کند که سید فرموده است: «توثیق و امانت شیخ کلینی مورد اتفاق همگان است». علامه مجلسی جامع بحار در حق شیخ کلینی گوید: «حق این است که در میان علماء شیعه مانند کلینی نیامده است و هر که در اخبار و ترتیب کتاب او دقت کند، در می‌یابد که او از جانب خداوند تبارک و تعالی مؤید بوده است» (سید جواد مصطفوی، ترجمه اصول کافی، مقدمه مترجم، ج ۱، ص ۸)

بر اساس نقل طبری جامع گلشن ابرار از ابن اثیر مورخ شهیر و به نام عامه، در کتاب جامع الاصول می‌نویسد: «ابو جعفر محمد بن یعقوب رازی، از پیشوایان مذهب اهل بیت علیهم السلام، دانشمندی بزرگ و فاضل نامدار است» (محمد جعفر طبری و همراهان، گلشن ابرار شرح حال عالمان شیعه، ج ۱، ص ۲۹)

### کلینی - کافی

شیخ کلینی پس از گذراندن مراحل ابتدایی معارف اسلامی نزد پدر و دایی دانشمند خویش در کلین، به ری مهاجرت و مدتی از محضر محدثان و عالمان آن دیار به خصوص ابو الحسن محمد بن اسدی کوفی بهره برد و سپس برای تکمیل اندوخته‌های خویش به قم عیش آل محمد علیهم السلام مسافرت و از محضر فرزندان چون علی بن ابراهیم قمی بهره برد، او که ظرف معلوماتش وسیع و رغبت وافر برای فراگیری علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام داشت در قم نیز اشباع نشده سفر کوفه که در آن زمان محلّ برخورد آراء و اندیشه گوناگون بود و محدثان بزرگی در آنجا می‌زیست را در پیش گرفت و بعد از گذراندن مدتی در کوفه و آشنای با آراء و اندیشه‌های مختلف به بغداد مهاجرت و در آنجا اندوخته‌های سالها رنج و مشقت را در مجموعه تحت عنوان کافی گرد آورد او بیست سال برای جمع آوری کافی زحمت کشید تا کتاب شریف کافی که شامل سه بخش عمده؛ اصول، فروع و روضه است تألیف نمود. کافی گنجینه کم نظیر و پربهایی است که هزار و اندی سال در آسمان علم و اندیشه، نور افشانی می‌کند (ر.ک: گلشن ابرار، ج ۱، ص

۲۴-۳۰). لذا، به جا است تا هرچه بیشتر، علماء و دانشمندان، از این ذخیره ارزشمند، بهره برده از زوایای مختلف مورد بررسی و استفاده قرار دهند.

### بررسی اسناد...

#### ۱: بررسی اسناد روایت اول...

أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنِي (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا مِنْهُمْ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ)، (محمّد بن یحیی (ابو جعفر) العطار (القمی): نجاشی می گوید؛ شیخ اصحاب ما بود در زمان خودش، ثقة عین کثیر الحدیث (رجال النجاشی ص: ۳۵۵) (عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ (در کتب ثمانیه رجالی فقط شیخ الطائفه رحمه الله رجال برقی، اسم او را ذکر نموده و شیخ فرموده؛ «أحمد بن محمد أخو كامل بن محمد» (رجال طوسی، ص ۳۳۲ و رجال برقی، ص ۲۱) مرحوم آقای خوئی فرموده اند؛ عنوان احمد بن محمد، در روایات بسیاری واقع شده که قریب به ۷۱۶۴ روایت می رسد خلاصه ایشان نزدیک ۲۷ صفحه در مورد احمد بن محمد و وقوع آن در روایات و اسناد کافی، تهذیب و... بحث نموده است (ر.ک: معجم رجال الحدیث، ص ۱۹۵-۲۲۲). عرض می شود: شاید مقصود از احمد بن محمد، احمد بن محمد بن خالد، یا احمد بن محمد بن عیسی باشد که هر دو ثقة اند (عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْبُوبٍ (شیخ الطائفه در مورد او گوید؛ به او الحسن بن محبوب سراد یا زراد گفته می شده او کوفی ثقة از امام هشتم ابا الحسن الرضا علیه السلام و ششصد نفر از اصحاب امام صادق علیه السلام روایت کرده است (رجال طوسی، ص ۱۲۲). کشی او را جزء اصحاب اجماع بر شمرده است (عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ (نجاشی، کان ثقة وجهاً روی عن ابی عبدالله علیه السلام (رجال نجاشی، ص ۲۲۹) (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ (نجاشی؛ محمد بن مسلم بن ریحاح ابو جعفر الاوقص الطحان مولی ثقیف الاعور، وجه اصحابنا بالکوفة فقیه ورع، صحب ابا جعفر و ابا عبدالله علیهما السلام و روی عنهما و کان اوثق الناس... (همان، ص ۲۴۷) (عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ...

در نتیجه این روایت را می تصحیح کرد مگر از ناحیه احمد ابن محمد کسی اشکال کند که علی الظاهر مشکلی نیست.

## ۲: اسناد روایت دوم

(عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ) (مرحوم استاذ المشايخ آية الله العظمى سيد خوئي رحمه الله در مورد علی بن محمد می‌فرماید: علی بن محمد: از مشایخ کلینی است که مرحوم شیخ کلینی زیاد از او نقل روایت کرده است در کافی، ولكن اسم او را مطلق ذکر کرده است، لذا باعث قول به مجهول بودن او شده است، ولی علی الظاهر او؛ علی بن محمد بن بندار است که شیخ کلینی در اطعمه و اشربه، سی و سه مورد از او روایت کرده است، پس معلوم می‌شود، در سائر موارد نیز مراد؛ علی بن محمد بن بندار است. بندار لقب عبد الله بن عمران جنابی برقی است که کنیه او أبو القاسم می‌باشد، چنانچه نجاشی به آن تصریح نموده است. پس علی بن محمد بن بندار، همان علی بن محمد بن ابی القاسم عبد الله بن عمران البرقی است، همانطورکه، مراد از علی بن محمد بن عبد الله که شیخ کلینی از او نیز کثیرا روایت می‌کند، علی بن محمد بن بندار است (ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ۱۲۸). خلاصه ایشان بعد از توضیحات مفصل در مورد علی بن محمد و اینکه او یکی از مشایخ کلینی است که از او به کثرت روایت کرده است می‌فرماید: «بنا بر این؛ علی بن محمد بن بندار و علی بن محمد بن عبد الله محکوم به توثیقند (ر.ک: همان، ص ۱۲۸)». (عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ (كتب رجاله ثمانية جز یک مورد که شیخ توثیقش می‌کند، در مورد سهل بن زیاد (آدمی) قائل به تضعیف شده‌اند و مرحوم آية الله خوئي اعلى الله مقامه الشريف مفصل در مورد او، مشایخ، تلامذ و طبقه او بحث کرده است که بیش از ۱۵ صفحه را به او اختصاص داده (ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۳۳۸-۳۵۳) (عَنْ عَمْرِو بْنِ عَثْمَانَ) (سید خوئی رحمه الله علیه راجع به او می‌فرماید: «عمرو بن عثمان، به این عنوان در اسناد کثیری از روایات واقع شده است که تعدادشان به ۱۹۱ مورد می‌رسد، او از ابا جعفر (امام باقر علیه السلام) و ابا عبد الله ع (امام صادق علیه السلام) و ابا جمیلة و ابا شبل و ابیا عمرو و... و مفضل و مفضل بن صالح ابا جمیلة و... روایت کرده است (ر.ک: همان، ج ۱۳، ص ۱۱۵)» (عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ (... عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ) (نجاشی گفته «يعرف و ينكر (رجال نجاشی، ص ۱۷۸)» ابن غضائری گفته ضعیف (رجال ابن غضائری، ج ۱، ص ۶۴) و شیخ طوسی رحمه الله علیه گفته: «سعد بن طریف الحنظلی الإسكافي مولی بنی تمیم الكوفي به او سعد خفاف گفته می‌شود، سعد از اصیغ بن نباتة روایت کرده است و او صحیح الحدیث است (رجال طوسی، ص ۱۱۵)» (عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ (... عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: ...

### ۳: بررسی طریق روایت سوم...

(أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ) (أحمد بن إدريس بن أحمد أبو علي الأشعري القمي كان ثقة فقيها في أصحابنا كثير الحديث صحيح الرواية... (رجال نجاشي، ص ۹۲)) ابو علي الاشعري القمي فهو ثقة بلاخلاف (جامع الرواة، ج ۱، ص ۴۰) (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ) (اگر چه نجاشی از او نام نبرده و رجالیونی مثل شیخ و ابن غضائری تصریح بر وثاقتش نکرده اما علامه در خلاصه فرموده: «او ابن ابی الصهبان، به ضم صاد که قمی و از أصحاب ابی الحسن سوم (امام هادی علیه السلام) ثقة می باشد (خلاصه الاقوال فی معرفة الرجال، ص ۱۴۳)) ابن داود نیز تصریح به ثقة بودن او کرده است (رجال ابن داود، ۲۸۷). (عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا) (بدلیل عدم ذکر واسطه در این طبقه روایت مرسله خواهد شد (رَفَعَهُ إِلَى) (أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ... روایت فوق بدلیل حذف دوتا از روات مرسله می باشد، البته با توجه به عبارت (رفعه الی...)) به آن مرفوعه نیز گفته می شود.

### ۴: روایت چهارم

(مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى) (مرحوم شیخ طوسی و برقی فقط به ذکر اسم او اکتفا کردند (ر.ک: رجال طوسی، ص ۳۹۱ و رجال برقی، ص ۱۹); و مرحوم سید خوئی ره می فرماید؛ این عنوان در اسناد روایات زیادی قرار گرفته است که متجاوز بر پنج هزار روایت نقل نموده است. (ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ۷-۸) (عرض می شود؛ اگر مراد از محمدبن یحیی، محمدبن یحیی العطار باشد، ایشان ثقة است بلا خلاف. کما اینکه در اسناد روایت اول گذشت (عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى) (الاشعری) (شیخ الطائفة طوسی رحمه الله توثیقش کرده و فرموده: «أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري القمي ثقة له كتب (رجال طوسی، ص ۳۵۱)) (عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ) (به قول سید خوئی ره عنوان ابن فضال در روایات متعددی واقع شده است و از او افراد مختلفی از جمله؛ احمد بن محمد بن محمدبن عیسی روایت نقل کرده اند، ایشان بعد از بحث مفصل در مورد طبقه ابن فضال مشایخ تلامذ و بررسی تعداد روایاتی که او در طریق آنها قرار گرفته است و اختلاف کتب اربعه در مورد او... می فرماید: «ابن فضال بر حسن بن علی بن فضال و فرزندان او علی، احمد و محمد - اطلاق می شود و مشهور ایشان، حسن و پسرش علی است (معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۱۵)) (عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ) (نجاشی، الحسن بن الجهم بن بکیر بن اعین ابو محمد الشیبانی ثقة روی عن ابی الحسن موسی و الرضا علیهما السلام. (احمد بن علی بن احمد بن

العباس النجاشی، کتاب الرجال، ص ۴۰ (قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَاعَ يَقُولُ... با توجه به سند روایت ولو در ابن فضال تردید شود که کدام یک؛ حسن بن علی بن فضال و فرزندان او-علی، احمد و محمد، از افراد مراد باشد، معتبر است

#### ۵: اسناد روایت پنجم...

وَ (عَنْهُ) (محمدبن یحیی) که بررسی شد که علی الظاهر ثقة باشد. (عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ) این احمد بن محمد «علی الظاهر» همان است که در طریق روایت اول گذشت که محمد بن یحیی العطار از او روایت کرده بود؛ و شاید این نیز قرینه باشد بر اینکه مراد از محمدبن یحیی؛ همان محمدبن یحیی العطار باشد؛ و نیز احتمال دارد مراد از احمدبن محمد؛ احمدبن محمدبن عیسی باشد که وثاقتش قطعی و در سند روایت قبلی قرار داشت، بدلیل اینکه بقیه رجال روایت مانند روایت قبلی است این احتمال تقویت می‌شود. (عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ) بررسی او، در روایت قبلی گذشت. (عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ) (در مورد او نیز در روایت قبلی بحث شد که به تصریح رجالی چون نجاشی ثقة می‌باشد (رجال نجاشی، ص ۴۰). قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ع... گرچه حکم به معتبر بودن این روایت راحت نیست، ولی قرائن فراوانی بر اعتبار روایت وجود دارد که ممکن است گفته‌شود، مراد از احمد بن محمد، احمد بن محمد بن محمد بن عیسی باشد و او ثقة است و ابن فضال نیز چه پدر باشد چه یکی فرزندانش مورد وثوق است.

#### ۶: اسناد روایت ششم

(أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ) ایشان در طریق روایت سوم نیز قرار داشت که بحشش گذشت و او از ثقات است (رجال نجاشی، ص ۹۲). (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ) (مرحوم سید خوئی ره می‌فرماید: محمدبن حسان مشترک است؛ اما هرگاه مطلق بیاید انصراف به محمدبن رازی پیدا می‌کند که دارای کتاب است (معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۱۸۸) نجاشی در مورد او گوید: «... یعرف و ینکر... (رجال نجاشی، ص ۳۳۸)» ابن غضائری و ابن داود، او را ضعیف شمرده‌اند (ر.ک: رجال ابن غضائری، ج ۱، ص ۹۶ و رجال ابن داود، ۵۰۳) (عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الرَّازِي) (در کتب ثمانیه رجالی نامی از ایشان برده نشده است. وسید خوئی ره در معجم فرموده این عنوان در برخی از روایات قرار گرفته است و ایشان اشاره به طریق روایت ششم از عقل و جهل کافی می‌کند (ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۱۴) (عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ) (نجاشی ره و شیخ طوسی

ره در فهرست و رجال و علامه حلی ره تصریح به وثاقت او دارند (ر.ک: رجال نجاشی، ص ۱۹۰ و فهرست شیخ طوسی، ص ۲۲۵ و رجال شیخ طوسی، ۲۳۷). سید خوئی فرموده: کلمه «ثقة» در بعضی از نسخ رجال نجاشی وجود ندارد، لکن، در نسخه ابن داود موجود است. (ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۳۶۵) (عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ (به عنوان اسحاق بن عمار، سه مورد در برخی از کتب رجالی دیده می‌شود؛ اسحاق بن عمار ساباطی، اسحاق بن عمار صیرفی، اسحاق بن عمار بن حیان. از ظاهر مرحوم سید خوئی ره استفاده می‌شود؛ یک نفر باشد نه سه نفر، چنانچه از ظاهر شیخ نیز استفاده می‌شود؛ و او اسحاق بن عمار ساباطی فطحی است که به ثقة بودن او در عین فطحی مذهب بودنش تصریح شده و گویا همه ثقة‌اش می‌دانند (ر.ک: فهرست شیخ طوسی، ص ۴۰ و رجال شیخ، ص ۳۳۱ و معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۵۲-۶۴) قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع ...

#### ۷: اسناد روایت هفتم ...

(عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا (مراد از عده من اصحابنا را مرحوم ملاً صالح مازندرانی از علامه این گونه نقل کرده: «هرگاه مرحوم شیخ کلینی در کافی عده من اصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد بگوید؛ مرادش افراد زیر می‌باشد؛ علی بن ابراهیم و علی بن محمد بن عبد الله بن اذینه و أحمد بن عبد الله بن اذینه و علی بن الحسن (شرح اصول الکافی، الاصول و الروضة، ج ۱، ص ۶۷)».

(عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ (نجاشی گفته: أحمد بن محمد بن خالد بن عبد الرحمن بن محمد بن علی البرقی أبو جعفر أصلش کوفی است و جد او محمد بن علی بود که یوسف بن عمر او را زندانی کرد، بعد از قتل زید علیه السلام، بعد هم به قتل رساند و در آن زمان خالد خورد سال بود با پدرش عبد الرحمن، از کوفه گریخت. او خودش ثقة است لکن از ضعفاء روایت می‌کند و به مراسیل اعتماد کرده است؛ و او کتاب‌های زیادی تألیف کرده است، از جمله: المحاسن و غیر آن (رجال نجاشی، ص ۷۶). شیخ طوسی ره در فهرست مانند نجاشی او را توثیق کرده برای او مصنفاتی شمرده است در ضمن فرموده: او از ضعفاء نقل روایت می‌کند و به مراسیل اعتماد داشته (فهرست شیخ طوسی، ص ۵۱). مرحوم سید خوئی ره در مورد احمد بن محمد بن خالد به چهار عنوان، اشاره کرده و چهار عنوان را ظاهراً منطبق بر یک نفر می‌داند که آن چهار عنوان را ایشان به صورت زیر آورده است؛ «أحمد بن محمد بن خالد البرقی. = أحمد بن



أبی عبد الله. = أحمد بن أبي عبد الله البرقي. = ابن البرقي البرقي (معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۲۶۱)». (عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقُطِينَ (طبق آنچه نجاشی در رجال نوشته است او؛ «الحسن علی بن یقطین بن موسی مولی بنی هاشم، بنا به قولی، مولی بنی اسد. فقیه و متکلم بود که از امام کاظم و امام رضا علیهما السلام روایت نقل کرده است... (رجال نجاشی، ص ۴۵)» شیخ در فهرست می‌فرماید: «... او اهل بغداد و دارای کتاب مسائل موسی بن جعفر علیهما السلام، فقیه متکلم بود... (فهرست شیخ طوسی (۱) ایشان در رجال خود به ثقه بودن حسن بن علی بن یقطین تصریح کرده است (رجال شیخ طوسی، ص ۳۵۴)، چنانچه ابن داود به وثاقت او و برادرش حسین، تصریح دارد (رجال ابن داود، ج ۱، ص ۱۱۵) (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ (مرحوم سید خوئی ره بیش از ده صفحه راجع به او، اختصاص داده است؛ و از کسانی که از او روایت نقل کرده و مشایخ او و طبقه او بحث کرده است. (ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۱۳۸) (عَنْ أَبِي الْجَارُودِ (سید خوئی ره گوید اسم ابو الجارود زیاد بن منذر است، چنانچه شیخ طوسی ره در تهذیب و شیخ صدوق در مشیخه من لایحضره الفقیه، به آن تصریح کرده‌اند (ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۷۹). (نجاشی، شیخ و... او را زیدی دانسته گویند؛ فرقه جارودیه از زیدیه به او منسوب است (ر.ک: رجال نجاشی، ص ۱۷۰ و فهرست شیخ طوسی، ص ۲۰۳ و رجال شیخ طوسی، ص ۲۰۸)؛ و ابن غضائری در مورد او گوید: «زیاد بن المنذر ابوالجارود همدانی خارفی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده است؛ و زیاد صاحب مقام است؛ و حدیث او در میان اصحاب ما؛ (شیعه اثنی عشری) بیشتر است از روایتش در زیدیه. اصحاب روایت او را در صورتیکه محمد بن سنان از او نقل کند، کراهت دارند، اما اگر محمد بن بکیر ارجنی از او نقل کند اعتماد می‌کنند (رجال ابن غضائری، ص ۶۱) (عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ:

...

#### ۸: اسناد رواین هشتم...

(عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ (به فرموده سید خوئی او؛ علی بن محمد بن عبد الله: «من مشایخ الكلینی - قدس سره - و تقدم فی علی بن محمد أنه علی بن محمد بن بندار و قد أكثر الكلینی الروایة عنه. وقع بهذا العنوان فی أسناد عدة من الروایات تبلغ تسعة و ثلاثین موردا (معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۱۵۲)»؛ و او در مورد علی بن محمد بن بندار می‌گوید: مراد از علی بن محمد بن بندار؛ علی بن محمد بن أبو القاسم است که ثقة می‌باشد (همان، ج ۱۲،

ص ۱۳۱). پس مراد از علی بن محمد بن عبدالله همان علی بن محمد بن بندار (ابوالقاسم) است که در سند روایت دوم قرار داشت و بحثی از او گذشت؛ و او بر مبنای سید خوئی ره ثقة می‌باشد. (عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ) از ظاهر قول سید خوئی ره استفاده می‌شود، مراد از: (إبراهیم بن إسحاق الأحمر، إبراهیم بن إسحاق الأحمر، إبراهیم بن إسحاق أبو إسحاق، إبراهیم بن إسحاق بن إبراهیم، إبراهیم بن إسحاق و إبراهیم بن إسحاق النهاوندی - الأعجمی) بر یک نفر اطلاق می‌شود و مراد یک نفر است (همان، ج ۱، ص ۲۰۳-۲۰۸). نجاشی و شیخ او را ضعیف شمرده‌اند در حدیث و برای او، کتبی نقل کرده‌اند (ر.ک: رجال نجاشی، ص ۱۹ و فهرست شیخ طوسی، ص ۱۶). از نظر ابن غضائری ره او صحیح و سقیم را، با هم نقل نموده و بین این دو خلط کرده است (ر.ک: رجال ابن غضائری، ص ۹) (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ) (نجاشی و شیخ ره او را ضعیف دانسته تصریح به ضعف او کرده‌اند). (ر.ک: رجال نجاشی، ص ۳۶۵ و رجال شیخ طوسی، ص ۳۴۳ و فهرست شیخ طوسی، ص ۳۸۷؛ اما سید خوئی ره فرموده: گرچه محمد بن سلیمان در اسناد کامل الزیارات قرار گرفته و مرحوم ابن قولویه ملتمز شده که در کتاب خود جز از ثقات نقل نکند، ولی توثیق او معارض دارد، شیخ به تضعیف نجاشی، شیخ و ابن غضائری اشاره نموده می‌فرماید؛ توثیق ابن قولویه با تضعیف اینان معارض است (ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۱۲۹). (عَنْ أَبِيهِ) (نجاشی گوید: «أبو محمد قیل: إن أصله من بجيلة الكوفة و كان يتجر إلى خراسان و يكثر شراء (شری) سبی الدیلم و يحملهم إلى الكوفة و غيرها فقیل: الدیلمی. غمز علیه و قیل: كان غالیا كذابا؛ و كذلك ابنة محمد لا يعمل بما انفردا به من الروایة. له كتاب يوم و ليلة و رویه عنه ابنة محمد بن سلیمان (رجال نجاشی، ص ۱۸۲). «). قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع... ع

#### ۹: اسناد روایت نهم...

(عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ) در ثقة بودن او شکی نیست چنانچه نجاشی راجع به او، فرموده: «علی بن إبراهیم بن هاشم أبو الحسن القمی، ثقة فی الحدیث ثبت معتمد صحیح المذهب سمع فأكثر (و أكثر) و صنف کتاباً و أضر فی وسط عمره؛ و له كتاب التفسیر كتاب الناسخ و... (رجال نجاشی، ص ۲۶۰)» سید خوئی گوید: او بیش از هفت هزار حدیث نقل کرده است (ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱۱ ص ۱۹۵). (عَنْ أَبِيهِ) (یعنی إبراهیم بن هاشم، او را رجالیونی چون نجاشی، شیخ، ابن داود و علامه مدح کرده‌اند اما نصی بر توثیقش ندارند (ر.ک: رجال نجاشی، ص ۱۶،

فهرست شیخ طوسی، ص ۱۱، رجال شیخ طوسی، ص ۳۵۳، رجال ابن داود، ج ۱، ص ۲۰ و خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، ص ۴. بنا بر قول سید خوئی ره روایاتی که فقط علی بن ابراهیم یعنی پسر از پدر نقل کرده است ۶۲۱۴ روایت می‌شود (ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۱۹۵). به هر حال، سید گوید: در ثقه بودن ابراهیم بن هاشم شک نباید کرد و بر اثبات ادعای خود به قرائن گوناگون تمسک کرده است (ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۱۸). (عَنِ النَّوْفَلِيِّ) (او در طریق روایاتی زیادی واقع شده است که ۸۲۶ مورد می‌شود. او از عبد العظیم بن عبد الله بن الحسن العلوی و عبد الله بن عمر و... و السکونی روایت کرده که بیشترین روایت را از او نقل کرده است؛ و از او ابو اسحاق و... و ابراهیم بن هاشم و... روایت کرده‌اند (معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۱۴۳))

(عَنِ السَّكُونِيِّ) (اسم او اسماعیل بن ابی زیاد، اسم ابو زیاد مسلم بزاز اسدی و او را برقی از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده است، او عامی بود (رجال البرقی، ۲۸ و رجال ابن داود، ج ۱، ص ۵۵)؛ و نجاشی گفته: «اسماعیل بن ابی زیاد معروف به سکونی شعیری. او کتابی دارد که من بر ابو العباس أحمد بن علی بن نوح قرائت کردم (رجال نجاشی، ص ۲۶)». سید خوئی ره می‌فرماید: سکونی در طریق روایات زیادی واقع شده است که تعدادشان به ۱۰۰۶ مورد می‌رسد (معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۱۰۴). (عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص ...

#### ۱۰: اسناد روایت دهم

(مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى) (ظاهراً او محمد بن یحیی عطار است همانطور که در روایت چهارم و پنجم گذشت و در روایت اول به عنوان محمد بن یحیی عطار وجود داشت، در مورد او بحث شد و در وثاقت او تردیدی نیست (ر.ک: رجال شیخ طوسی، ص ۳۳۲ و رجال برقی، ص ۲۱). (عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ) (و بررسی او نیز در روایت چهارم و پنجم گذشت. (عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ) (مراد از ابن محبوب، (علی الظاهر) حسن بن محبوب باشد، همانکه کشی جزء اصحاب اجماع شمرده است. (ک: رجال کشی، ج ۱، ص ۵۵۶)؛ و او حسن بن محبوب زراد می‌باشد (ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۱۰۶)، البته گاه، به طور مطلق ابن محبوب گفته می‌شود و مراد یا حسن بن محبوب، یا محمد بن علی بن محبوب است (ر.ک: همان، ج ۲۳، ص ۳۰). گرچه در این روایت ظاهراً منظور حسن بن محبوب است نه محمد... (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ) (سید خوئی ره گوید: «به این اسم، سه نفر، در اسناد روایات وجود دارد: یکی، صاحب الترجمة و او

ثقة و معروف است که دارای کتاب است و امام باقر و امام صادق و امام کاظم علیهم السلام را در ک کرده است؛ و دوم آن است که برقی او را از اصحاب امام کاظم علیه السلام می‌شمارد و او عبد الله بن سنان واسطی است؛ و سوم آن است که برقی او را از اصحاب امام رضا و امام جواد علیهما السلام می‌داند. (معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۱۳) «گرچه سید گوید: دو نفر اخیر را روایتی از ایشان در کتب اربعه نیافتیم (همان، ج ۱۰، ص ۲۱۳) قَالَ: ذَكَرْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع ...

### ۱۱: اسناد روایت یازدهم

(عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا) (بحث از این عنوان گذشت. (عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ (بررسی او در روایت هفتم گذشت. (عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ (... رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص ...

### ۱۲: اسناد روایت دوازدهم...

(أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْأَشْعَرِيُّ) (سید خوئی ره او را به اسم حسین بن محمد بن عمران بن ابی بکر معرفی کرده (همان، ج ۲۱، ص ۲۱۸). (عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ (عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ) («هشام بن الحکم ابو محمد مولی کنده... و روی هشام عن ابی عبد الله و ابی الحسن موسی علیهما السلام و کان ثقة فی الروایات حسن التحقيق بهذا الأمر (رجال النجاشی، ۴۳۳). «شیخ طوسی ره او را از اصحاب خاص امام کاظم علیه السلام شمرده، برای او کتابهای ذکر کرده می‌فرماید: «هشام بن الحکم از خواص سیدنا و مولانا موسی بن جعفر علیه السلام بود و او با مخالفین در اصول و غیر آن بحث‌های گوناگونی داشته، او دارای اصل است... (فهرست شیخ طوسی، ۴۳۹) قَالَ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ع ...

### ۱۳: اسناد روایت سیزدهم

(عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ) (بررسی علی بن محمد در سند روایت دوم به همین صورت که در این روایت است بود و بحث و بررسی از آن گذشت. (عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ) (بررسی آن نیز در روایت دوم گذشت. رَفَعَهُ قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع ...

#### ۱۴: اسناد روایت چهاردهم

(عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا ...) (عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ) (بحث و بررسی از او در روایت اول، پنجم و هفتم انجام شد. (عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ) («علی بن حدید بن حکیم المدائنی الأزدی الساباطی، روی عن أبي الحسن موسى عليه السلام. له كتاب... (رجال نجاشی، ص ۲۷۴)» کشی او را فتوحی مذهب دانسته و گوید؛ او امام رضا علیه السلام را درک کرده است (رجال کشی، ج ۱، ص ۵۷۰). (عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ) (نجاشی او را به صورت زیر «سماعة بن مهران بن عبد الرحمن الحضرمی مولی عبد بن وائل بن حجر الحضرمی یکنی أبا ناشرة و قیل أبا محمد ... روی عن أبي عبد الله و أبي الحسن عليهما السلام و مات بالمدينة (رجال النجاشی/باب السین/۱۹۳)» معرفی کرده در مورد او با تکرار، ثقة ثقة می گوید (رجال النجاشی/باب السین/۱۹۳). شیخ طوسی ره او را واقفی گفته است (رجال شیخ طوسی، ص ۳۳۷). علامه نیز بر واقفی بودن او تصریح کرده بر وثاقت او نیز تصریح دارد (ر.ک: خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، ص ۲۲۸). قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع ...

#### ۱۵: اسناد روایت پانزدهم

(جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا ...) (عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى) (در مورد او در سند روایت چهارم به بحث پرداختیم (عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ) (در روایت چهارم از او نیز بحث شد. (عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا) ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ...

#### ۱۶: اسناد روایت شانزدهم

(عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ) (در مورد او به رجال روایت دوم مراجعه کنید که بررسی شد، در طریق روایت هشتم و سیزدهم، نیز قرار داشت. (عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ) (او نیز در طریق روایت دوم و سیزدهم قرار داشت که بررسی شد. (عَنْ النَّوْفَلِيِّ) (نوفلی در طریق روایت نهم قرار داشت که بحثش گذشت. (عَنْ السَّكُونِيِّ) (او نیز در طریق روایت نهم وجود داشت. عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع ...

### ۱۷: اسناد روایت هفدهم

(عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ) (بحث از او و نیز پدرش ابراهیم بن هاشم در طریق روایت نهم گذشت. (عَنْ أَبِيهِ) ... (عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ) (سید خوئی ره می فرماید: «جعفر بن محمد الأشعری = جعفر بن محمد القمی. به این عنوان در اسناد روایات زیادی وارد شده تعداد آنها به صد و ده مورد می رسد؛ و او از (کسانی زیادی از جمله)؛ عبید الله الدهقان و القداح روایت نقل کرده است. از او (نیز افرادی از جمله) ابراهیم بن هاشم، أحمد بن محمد بن خالد، سهل بن زیاد و... روایت کرده اند. به هر تیب، وحید - قدس سره - (وحید بهبهانی) گفته: محمد بن أحمد بن یحیی، از او روایت نقل کرده و روایت او را از رجال خودش، استثنا نکرده، در این عدم و نقل روایت دلیل است بر ارتضاء وحید بر او و حسن حال او، بلکه مشعر است بر وثاقت او (معجم رجال الحدیث ج: ۴ ص: ۹۹). (عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ) (سید خوئی ره گوید: «مراد از؛ عبید الله الدهقان = عبید الله بن عبد الله الدهقان الواسطی، یا عبید الله بن أحمد الدهقان است، یا عبید الله بن عبد الله الدهقان و لکن مشهور دومی است و به عنوان عبید الله الدهقان در اسناد روایات زیادی واقع شده است. او از... دُرُسْت... روایت نقل کرده است. (همان، ج ۱۱، ص ۹۰)»

(عَنْ دُرُسْتٍ) (سید خوئی ره او را به عنوان: درست بن ابی منصور معرفی کرده که در اسناد روایات متعدد آمده؛ و فرموده: «أقول: الظاهر وثاقة الرجل لرواية علي بن الحسن الطاطري، عنه في كتابه وقد ذكر الشيخ في ترجمته؛ أن رواياته في كتبه عن الرجال الموثوق بهم و بروایاتهم و هذا شهادة من الشيخ بوثاقة مشايخ علي بن الحسن الطاطري كلية و لوقوعه في أسناد تفسير علي بن إبراهيم علی ما يأتي (همان، ج ۷، ص ۱۴۱)». نجاشی او را تحت عنوان: درست بن ابی منصور محمد الواسطی ترجمه کرده و از مشایخ علی بن الحسن الطاطری و محمد بن ابی عمیر و... که ایشان کتاب او را روایت نموده است دانسته (رک: رجال نجاشی، ص ۱۸۶). سید خوئی ره این سخن نجاشی را، به منزله توثیق شمرده است (معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۱۴۲). شیخ او را واقفی دانسته. (عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ) (شیخ طوسی ره او را در فهرست توثیق کرده (رک: فهرست شیخ طوسی، ص ۱۷)؛ و در رجال واقفی گفته (رجال شیخ طوسی، ۳۳۶). ابن داود بین ابراهیم بن عبد الحمید در فهرست شیخ و همین عنوان در رجال او فرق قائل شده و فرموده: عندی أن الثقة من رجال الصادق عليه السلام و هو الذي ذكر في الفهرست و الواقفي من رجال الكاظم عليه السلام و ليس بثقة. رجال ابن داود، ج ۲، ۴۱۶

قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع ...

### ۱۸: اسناد روایت هجدهم

(عَلِيّ) (مراد از این علی (علی الظاهر) علی بن ابراهیم قمی باشد، چنانچه در نرم افزار درایة النور که مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی تولید کرده در بخش اسناد روایت هشتم را اینگونه آورده: «[۱۸] عَلِيّ (ع)» بِنُ إِبرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ أَبِي هَاشِمِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ كُنَّا عِنْدَ الرِّضَاعِ فَتَدَاكِرْنَا... (نرم افزار درایة النور، اسناد) (عَنْ أَبِيهِ) با توجه به آنچه در مورد (علی) گفتیم مسأله (اییه) روشن خواهد و شاید این قرینه باشد بر تأیید آنچه در درایة النور آمده (الله عالم) به هر حال بحث از علی بن ابراهیم و پدرش، در روایت نهم گذشت. (عَنْ أَبِي هَاشِمِ الْجَعْفَرِيِّ) (اسم او طبق آنچه سید خوئی در معجم فرموده؛ داود بن القاسم أبو هاشم الجعفری است. (معجم رجال الحديث، ج ۲۲، ص ۷۶) نجاشی او را ایگونه تعریف کرده: «داود بن القاسم بن إسحاق بن عبد الله بن جعفر بن أبي طالب أبو هاشم الجعفری رحمه الله كان عظيم المنزلة عند الأئمة عليهم السلام شريف القدر ثقة روى أبوه عن أبي عبد الله عليه السلام (رجال نجاشی، ص ۱۵۶)» شیخ نیز در فهرست و رجال کلماتی مانند نجاشی بلکه بالاتر در باره او، گفته در رجال به توثیق او تصریح نموده است (فهرست شیخ طوسی، ۱۸۱ و رجال شیخ طوسی، ص ۳۸۶). قَالَ: كُنَّا عِنْدَ الرِّضَاعِ ...

### ۱۹: اسناد روایت نهم

(عَلِيّ) بِنُ إِبرَاهِيمَ (راجع به او و پدرش در طریق روایت نهم بحث نمودیم. (عَنْ أَبِيهِ) ... (عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ) (شیخ طوسی ره و برقی او را از اصحاب امام رضاع دانسته‌اند. (ر.ک: رجال طوسی، ص ۳۶۸ و رجال برقی، ص ۵۴) (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ) (نجاشی گوید: «عبد الله بن جبلة بن حيان بن أبحر الكناني أبو محمد عربي صليب ثقة روى عن أبيه عن جده حيان بن أبحر. كان أبحر أدرك الجاهلية و بيت جبلة بيت مشهور بالكوفة؛ و كان عبد الله واقفا و كان فقيها ثقة مشهورا. له كتب منها: كتاب الرجال و... (رجال النجاشی، ص ۲۱۶)» (عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ) بررسی او در طریق روایت ششم انجام شد. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ ...

## ۲۰: اسناد روایت بیستم

(الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ) سید خوئی ره او را از مشایخ شیخ کلینی ره معرفی کرده می‌فرماید: «الحسین بن محمد الأشعری. = الحسین بن محمد بن عامر الأشعری. در اسناد روایات زیادی به این عنوان واقع شده که تعداد آنها به ۸۵۹ مورد می‌رسد (معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۷۳). نجاشی اورا؛ «الحسین بن محمد بن عمران بن ابی بکر الأشعری القمی أبو عبد الله ثقة. گفته و او را صاحب کتاب دانسته (رجال نجاشی، ۶۶)» شیخ طوسی ره به عنوان؛ الحسین بن أحمد بن عامر الأشعری آورده (رجال شیخ طوسی، ۴۲۴) (عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ السِّيَّارِيِّ) سید خوئی ره از او تحت سه عنوان؛ أحمد بن محمد بن سیار = أحمد بن محمد البصری. = أحمد بن محمد السیاری. نام برده. (معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۸) در ترجمه احمد بن محمد سیاری گفته مراد از او؛ أحمد بن محمد بن سیار است (همان، ۲، ص ۳۳۳). نجاشی اورا ضعیف شمرده فاسد المذهب دانسته (ر.ک: رجال نجاشی، ص ( شیخ در مورد او فرموده: أحمد بن محمد بن سیار أبو عبد الله کاتب بصری ... معروف به سیاری، ضعیف الحدیث فاسد المذهب (فهرست شیخ طوسی، ص ۵۷). (عَنْ أَبِي يَعْقُوبَ الْبَغْدَادِيِّ) سید خوئی ره در وقوع او، در طریق روایات به اسناد همین روایت، (روایت ۲۰ از کتاب عجل و جهل کافی) اشاره کرده اسم او را ذکر نموده است (ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۸۹). قَالَ: قَالَ (ابْنُ السَّكَيْتِ) در حاشیه کتاب شریف کافی چاپ اسلامی در باره او چنین نگاشته است: ابن السکیت - به کسر سین و تشدید کاف - او أبو یوسف یعقوب بن إسحاق دورقی أهوازی است. یکی از شیعیان و یکی از ائمه لغت و ادب می‌باشد، بسیاری از مؤرخین او را نام برده‌اند و از او تمجید و او را مدح کرده‌اند، او ثقة و از بزرگان شیعه بود و از خواص امامین التقیین علیهما السلام به شمار می‌رفت و... (الکافی، ج ۱، کتاب العقل و الجهل ... ص: ۱۰). لِأَبِي الْحَسَنِ ع ...

## ۲۱: اسناد روایت بیست و یکم...

(الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ) (او در طریق روایت قبلی (روایت ۲۰) قرار داشت که بررسی شد. (عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ) بر اساس فرموده سید خوئی ره او در طریق روایات زیادی واقع شده، تعداد آن روایات به ۷۱۲ روایت می‌رسد (معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ۲۵۰). (عَنْ الْوَشَاءِ) (به گفته سید خوئی این عنوان در اسناد روایات زیادی واقع شده است که تعداد آنها ۸۱۲ مورد می‌رسد. او از



ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت کرده است و نیز از ابو بصیر، ابو خیثمه، ...، المثنی الحنط و... روایت کرده است (همان، ج ۲۳، ص ۱۶۶)؛ و مراد از او حسن بن علی بن زیاد الوشاء می باشد (همان، ج ۲۳، ص ۱۶۸). (عَنْ الْمُثَنَّى الْحَنَاطِ (در کتب ثمانیه رجالی نامی از او نیست، ولی سید خوئی ره در معجم از او، بحث کرده و کسانیکه از او روایت کرده اند و کسانیکه او از آنها روایت کرده است نام برده طبقه او را در اسناد روایات بیان نموده فرموده؛ او در طریق ۸۶ روایت قرار گرفته است (همان، ج ۱۴، ص ۱۸۶). (عَنْ قُتَيْبَةَ الْأَعْشَى) سید خوئی فرموده؛ او در طریق جمله از روایات قرار گرفته (۲۳ مورد) همه این روایات را از ابو عبدالله علیه السلام (امام صادق ع) نقل کرده است جز یک روایت که از ابن ابی یعفور روایت کرده. (معجم رجال الحدیث ج: ۱۴ ص: ۷۵) نجاشی ره او را ثقة گفته است و فرموده: «قتیبه بن محمد الأعشى المؤدب أبو محمد المقرئ، مولی الأزد ثقة عین روی عن أبی عبد الله علیه السلام. له کتاب یرویه عدة من أصحابنا... (رجال النجاشی، ص ۳۱۷)» (عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ) اسم او عبدالله بن ابی یعفور (معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۱۵۳). به گفته نجاشی ره او؛ «عبد الله بن ابی یعفور العبدی؛ و اسم ابی یعفور واقد و قیل و قدان یکنی أبا محمد ثقة ثقة جلیل فی أصحابنا کریم علی أبی عبد الله علیه السلام و مات فی أيامه ... له کتاب یرویه عنه عدة من أصحابنا... (رجال النجاشی، ص ۲۱۳)» (عَنْ مَوْلَى لَيْثِي شَيْبَانَ) سید خوئی ره در وقوع او در طریق این روایت (روایت ۲۱) اشاره کرده فقط. (معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۱۴۵). عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: ...

## ۲۲: اسناد روایت بیست و دوم

(عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ) از او در در طریق روایت دوم بحث کردیم. (عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ) او را نیز در طریق روایت دوم بررسی نمودیم. (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ) او در اسناد روایات زیادی قرار دارد که عدد آنها به ۷۳ مورد می رسد (همان، ج ۱۶، ص ۱۲۲). (عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ) این عنوان، مشترک است میان گروهی که با مراجعه به کتب رجالی می شود به آن پی برد و تشخیص هریک با توجه به راوی از او و مروی عنه ممکن خواهد بود (ر.ک: همان، ج ۱۱، ص ۱۹۰-۱۹۴). (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ) او در طریق روایت دهم نیز قرار داشت که بحث شد. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

...

### ۲۳: اسناد روایت بیست و سوم...

(عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا) ... (عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ) بحث از او در اسناد روایت اول گذشت و او در طریق روایات پنجم، دهم و چهاردهم نیز قرار داشت. مُرْسَلًا قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع ...

### ۲۴: اسناد روایت بیست و چهارم...

(عَلَى بْنِ مُحَمَّدٍ) بحث در مورد او و سهل بن زیاد، در طریق روایت دوم انجام گرفت. (عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ) او نیز در طریق روایت دوم قرار داشت و بررسی شد، چنانچه در اسناد روایات، ۱۳، ۱۶، ۲۲ قرار داشت. (عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ) از ظاهر کلام سید خوئی استفاده می‌شود که مراد از؛ اسماعیل بن مهران؛ اسماعیل بن مهران بن ابی نصر سکونی است (ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۱۹۰)؛ و او به تصریح شیخ طوسی در فهرست ثقه است که مورد اعتماد می‌باشد (ر.ک: فهرست شیخ طوسی، ص ۲۷). (عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ...

### ۲۵: اسناد روایت بیست و پنجم...

(الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ) بررسی او در روایت ۲۱ گذشت. (عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ) او نیز در طریق روایت ۲۱ بود که بررسی شد. (عَنْ الْوَشَاءِ) در مورد او نیز در روایت ۲۱ بحث شد. (عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ) نجاشی گوید: «حماد بن عثمان بن عمرو بن خالد الفزاری مولا هم کوفی ... و أخوه عبد الله ثقتان رؤيا عن أبي عبد الله عليه السلام و روی حماد عن أبي الحسن و الرضا عليهما السلام (رجال نجاشی، ص ۱۴۳)» شیخ طوسی ره نیز بر ثقه بودن او تصریح دارد (فهرست شیخ طوسی، ص ۱۵۶) (عَنْ السَّرِيِّ بْنِ خَالِدِ النَّاجِي) از اصحاب امام صادق ع (معجم رجال الحدیث ج: ۸ ص: ۴۱) شیخ صدوق و برقی او را از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده‌اند (رجال شیخ طوسی، ص ۲۲۱ و رجال برقی، ص ۴۵). عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ ...

### ۲۶: اسناد روایت بیست و ششم...

(مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ) ظاهراً، مراد محمد بن حسن صفار است که در طریق روایات زیادی

قرار دارد. او از افراد زیادی نقل روایت کرده من جمله، سهل ابن زیاد (معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۲۵۷). (عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ) بررسی از او در اسناد روایت دوم گذشت. (عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ) اسم او، عبد الرحمن بن أبو نجران و اسم ابو نجران، عمرو بن مسلم تمیمی و او به تأیید نجاشی، ثقة است که بر روایات او اعتماد می شود (رجال النجاشی، ص ۲۳۵). (عَنْ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينِ) العلاء بن رزین القلاء جلیل القدر ثقة له کتاب (فهرست الطوسی، ص ۳۲۲) (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ) بررسی او در روایت اول گذشت که به گفته نجاشی: «محمد بن مسلم بن رباح أبو جعفر الأوقص الطحان، مولی ثقیف الأعور وجه أصحابنا بالكوفة فقیه ورع صحب أبا جعفر و أبا عبد الله علیهما السلام و روی عنهما و كان من أوثق الناس. له كتاب يسمى الأربعمئة مسألة فی أبواب الحلال و الحرام. (رجال النجاشی، ص ۳۲۳) (عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: ...

#### ۲۷: اسناد روایت بیست و هفتم...

(عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا) ... (عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ) در طریق روایت اول، از او بحث شد. (عَنْ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيِّ) نجاشی گوید هیثم بن ابی مسروق ابو محمد و اسم ابی مسروق عبد الله النهدي كوفي قريب الأمر. له كتاب نوادر. قال ابن بطة: حدثنا محمد بن علی بن محبوب عنه (رجال النجاشی، ص ۴۳۷). (عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ) شیخ طوسی او را از اصحاب امام کاظم علیه السلام شمرده است (رجال الطوسی، ص ۳۳۴)، همچنین برقی (رجال البرقی، ص ۵۳). (عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ) بررسی از او در طریق روایت ششم گذشت. قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع... الله ع...

#### ۲۸: اسناد روایت بیست و هشتم...

(عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا) ... (عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ) در اسناد روایت اول، از او بحث شد. (عَنْ بَعْضِ مَنْ رَفَعَهُ) ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع ...

۲۹: اسناد روایت بیست و نهم ...

(بَعْضُ أَصْحَابِنَا) ... رَفَعَهُ (عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ) مفضل بن عمر ابو عبد الله و بنا به قولی؛ ابو محمد الجعفی. نجاشی او را فاسد المذهب معرفی نموده و فرموده؛ به روایت او، اعتناء نمی شود، (رجال النجاشی، ص ۴۱۶)، سید خوئی ره مفصل در باره او بحث نموده و از شیخ

طوسی ره، نقل کرده که او را جزء ممدوحین شمرده است (معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۲۹۰-۳۰۵). عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ...

### ۳۰: روایت سی ام...

(مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى) او در طریق روایت چهارم نیز قرار داشت، بحث شد. (رَفَعَهُ)... قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع ...

### ۳۱: روایت سی و یکم

(عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ) در طریق روایت ۹ از او بحث شد. (عَنْ مُوسَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمُحَارَبِيِّ) سید خوئی ره در مورد او به عبارت زیر اکتفاء کرده: «موسی بن ابراهیم المحاربی: روی عن الحسن بن موسی و روی عنه علی بن ابراهیم بن هاشم، الکافی: الجزء ۱، کتاب العقل و الجهل ۱، باب (۰)، الحدیث ۳۱. همان، ج ۱۹، ۱۴» (عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى) سید خوئی ره در مورد او گوید: به این عنوان در اسناد جمله از روایات واقع شده است، او از أحمد بن عمر، زرارة ...، موسی بن عبد الله ... روایت نقل کرده است؛ و او از أحمد بن ابی زاهر، ...، موسی بن ابراهیم المحاربی و ... در ادامه می فرماید: «مراد از او حسن بن موسی الخشاب است. (معجم رجال الحدیث ج: ۵ ص: ۱۴۱)» به تعبیر نجاشی ره: «من وجوه أصحابنا مشهور کثیر العلم و الحدیث له مصنفات منها کتاب الرد علی الواقفة و ... (رجال النجاشی، ص ۴۲)». (عَنْ مُوسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ) سید خوئی می فرماید: «موسی بن عبد الله مشترک است بین جماعتی و تشخیص هر کدام، با راوی و مروی عنه میسر می شود» (معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۵۰) (عَنْ مَيْمُونِ بْنِ عَلِيٍّ) از ظاهر سید خوئی در معجم برمی آید که او در اسناد روایات زیادی واقع نشده با شاید بتوان گفت؛ فقط در طریق همین روایت قرار گرفته، زیرا فقط به ذکر سند روایت ۳۱ از عقل و جهل کافی اشاره کرده است (ر.ک: همان، ج ۱۹، ص ۱۱۴) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع ...

### ۳۲: اسناد روایت سی و دوم...

(أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْعَاصِمِيُّ) سید خوئی ره به وقوع او در اسناد روایات این گونه اشاره کرده است: «أبو عبد الله العاصمی: روی عن علی بن الحسن و روی عنه محمد بن یعقوب، الکافی: الجزء

(۱) کتاب العقل و الجهل ۱، الحدیث (۳۲)؛ و روی عن علی بن الحسن المیثمی، الجزء (۳) باب منع الزکاة (۲) الحدیث (۱۸) و تقدمت ترجمته بعنوان أحمد بن محمد بن أحمد بن طلحة» پس اسم او، احمد بن محمد بن احمد بن طلحة است. و در محل بحث از او گوید: «أحمد بن محمد بن أحمد بن طلحة: = أحمد بن محمد بن أحمد. = أحمد بن محمد بن عاصم. = أحمد بن محمد بن أحمد الكوفي» (همان، ج ۲، ص ۲۴۷) (عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ) علی بن الحسن: به این عنوان در اسناد روایات زیادی واقع شده است. او از افراد زیادی از جمله؛ جعفر بن محمد ع و ...، علی بن أسباط و... و از او نیز کسانی زیادی روایت کرده؛ از جمله؛ أبو عبد الله العاصمی، أحمد بن إدريس و... (همان، ج ۱۱، ص ۳۱۸) (عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ) او به تصریح نجاشی ثقة است گرچه فطحی مذهب می باشد: «علی بن أسباط بن سالم بیاع الزطی أبو الحسن کوفی المقرئ ثقة و كان فطحياً» (رجال النجاشی، ص ۲۵۲). (عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ) از او در طریق روایت ۴ بحث نمودیم. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاع ...

### ۳۳: اسناد روایت سی و سوم...

(عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ) در مورد او در اسناد روایت دوم بررسی انجام شد. (عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ) او در طریق روایت ۷ قرار داشت و بررسی کردیم. (عَنْ أَبِيهِ) ... (عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا) ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: ... روایت مرسله است.

### ۳۴: اسناد روایت سی و چهارم...

(عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا) ... (عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ) در گذشته از او بحث شد. (عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ الدُّهْقَانِ) از او در طریق روایت ۱۷ بحث کردیم. (عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَبِيِّ) او در اسناد جمله از روایات واقع شده است (معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۱۸۱). (عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ) به گفته سید خوئی او همان؛ یحیی بن عمران بن علی است که به او یحیی الحلبي نیز گفته می شود. (ر.ک: همان، ج ۲۰، ص ۷۱) و نجاشی او را، ثقة دانسته صحیح الحدیث می داند (ر.ک: رجال نجاشی، ص ۴۴۴). عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ ...

### ۳۵: روایت سی و پنجم...

(عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا) ... (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْبُرَّازِ) سید خوئی ره به وقوع او در اسناد روایات به طریق روایت ۳۵ (مورد بحث) اشاره کرده است (معجم رجال الحدیث، ۱۰، ص ۷۵). (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ) سید خوئی به وقوع او در اسناد روایات به سند همین روایت -۳۵- اشاره کرده (ر.ک: همان، ج ۱۶، ص ۲۱۹). (عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَمَّارٍ) شیخ طوسی او را از اصحاب امام باقر علیه السلام شمرده است (رجال شیخ طوسی، ص ۱۳۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع ...

### ۳۶: روایت سی و ششم

(عَلَى بْنِ مُحَمَّدٍ) در طریق روایت دوم از او بحث شد. (عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ) ... (عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ) در توثیق او تردیدی نیست (ر.ک: همان، ۳۶۵ و رجال نجاشی، ص ۳۲۶). (عَنْ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ) او نیز از ثقات است به اذعان رجالیون چون: نجاشی (رجال لنجاشی، ص ۴۲۷)، شیخ طوسی ره (رجال شیخ طوسی، ص ۳۴۵) و ... (عَنْ حُمْرَانَ) ... وَ صَفْوَانَ بْنِ مَهْرَانَ الْجَمَّالِ) برقی او را کوفی بطائنی دانسته از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده است (رجال برقی، ص ۴۵). قَالَ سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع ...

### یاد آوری...

لازم به ذکر است که ما در این تحقیق، بیشترین بهره را از نرم افزار، درایة النور که توسط مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی تهیه شده است بردیم و مراجعه ما به کتاب های چون کتب رجالیه ثمانیه و معجم رجال الحدیث آیه الله العظمی خوئی رحمة الله علیه و... از طریق همین نرم افزار می باشد. بیشترین ارجاعات ما نیز با اعتماد به همین نرم افزار می باشد. بقیه منابع را در فهرست منابع ذکر کرده ایم.

## کتابنامه

۱. اردبیلی، محمدبن علی، جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، قم، کتابخانه آية الله العظمی، مرعشی نجفی، بی جا، ۱۴۰۳ هق
۲. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، زیر نظر پژوهشکده باقر العلوم ع، گلشن ابرار، قم، نشر معروف، چاپ دوم، ۱۸۲
۳. صدر الدین محمدبن ابراهیم شیرازی، (صدر المتألهین) شرح الاصول من الکافی، تحقیق: محسن عقیل، بیروت، دار المحجة البيضاء، چاپ اول ۱۴۲۳ هق ۲۰۱۱ م
۴. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تحقیق: دارالحديث، قم، دارالحديث، چاپ دوم، ۱۳۸۸ هس و ۱۴۳۰ هق
- تهران، اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۲ هق
۵. مازندرانی، محمدصالح، شرح اصول الکافی، تصحیح: سیدعلی عاشور، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ هق
۶. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تصحیح: سید هاشم رسولی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۷۹ هس
۷. محسنی، محمد آصف، بحوث فی علم الرجال، قم، مرکز المصطفی العالمی للترجمة و النشر، چاپ پنجم، ۱۳۸۹
۸. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزار درایة النور، نسخه ۲-۱
۹. مصطفوی، سید جواد، ترجمه اصول کافی، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامیه، چاپ اول، بی تا